

سالن های غیر استنادار د بسکتبال یاسالن هایی بانداستن حداقل های لازم جهت مسابقات در سراسر کشور از جمله مواردی هستند که نه تنها در پایین آوردن کیفیت رقابت های بسکتبال در سطوح مختلف تأثیری بسزادارند بلکه بعضاً می توانند رقم زننده شکست ها بخصوص برای مهمانان باشند.

در حال حاضر بزرگترین معضل بسکتبال نداشتن سالن استنادار دبه تعداد لازم نیست بلکه با توجه به پیشرفت هایی که بسکتبال در سطح دنیا داشته، این ورزش در کشور از داشتن حتی یک سالن بسکتبال در حد استنادار ده های برتر جهانی هم محروم است و همان چندسالنی هم که در سطح کشور به عنوان بهترین مطرح می شوند بارسیدن به حداقل استناداردها به چنین عنوانی رسیده اند و مصداق بارز همان مثل معروف «در بیابان لنگ کفش کهنه هم نعمت است» هستند.

مثلاً سالن بسکتبال آزادی تهران که امروز نام استنادار دترین سالن کشور را به خود اختصاص داده بر مبنای استنادار ده های رایج بسکتبال در سال ۱۳۵۳ ساخته شده و اگر چه طی سالهای اخیر سعی شده طبق استنادار ده های جهانی تغییراتی را به خود ببیند اما با این تفصیله به حداقل های استنادار در رسیده تا جایی که امروز حتی در منطقه غرب آسیا و همچنین آسیا دبیر ستانهایی هستند که سالنهایی به مراتب مجهز تر از تالار بسکتبال آزادی تهران که روزگاری - یعنی حدود ۳۰ سال پیش سری در میان سرها داشت، دارند!

اما در این مقال بحث بر سر تکرار معضل تکراری نداشتن یک سالن کامل و استنادار د برای بسکتبال نیست بلکه بحث بر سر سالنهایی است که حداقل استنادار دهادر آن رعایت نمی شود و البته در این عدم رعایت موردی مانند کمبود امکانات و... دخیل نیست بلکه فقط نوعی بی توجهی، سهل انگاری و بی تفاوتی باعث می شود که این حداقل ها رعایت نشود!

مثلاً در سالنی که ارتفاع سبداستنادار دنیست یا پایین تر و بالاتر است فقط یک آچار یا نهیاً جایگزینی یک سبدا بسکتبال می تواند این مشکل را حل کند اما متاسفانه یکدوره مسابقه لیگ در چنین سالنی بر گزار می شود بدون اینکه اقدامی ۱۰، ۱۵ دقیقه ای برای بر طرف شدن این مشکل انجام شود. یادرسالنی دیگر که برودت هواز نزدیک به صفر درجه است و باروشن کردن یکی دوبخاری با کمترین هزینه می توان این مشکل را مرتفع کرد، یا موجود نبودن یک رختکن ۷، ۸ متری برای استقرار تیم همزمان و... که در این میان مشکلات اسکور برد و تابلو ۲۴ ثانیه که به مراتب سخت تر مرتفع خواهد شد. یا عدم استفاده از حفاظ هایی با کمترین هزینه برای دیوارهایی که نزدیک به زمین مسابقه هستند و می توانند سانحه آفرین شده و البته شده اند! یا نزدیکی اطراف زمین به خط های طولی و عرضی و حتی وجود پله ها و سکو چسبیده به خط دور زمین، یا آمدن نور شدید خورد شیداز پنجره های سالن که باعث اذیت باز یکنان می شود یا کفیوش های مشکل آفرین و...!

که البته همه این موارد که به آن بی توجهی شده بیشتر در مسابقات دسته های پایین تر مثل دسته اول یا دوم طی چند سال اخیر بوده است بدون اینکه کمترین تلاشی در راستای بهبود اوضاع شده باشد. در حالی که همه این موارد از جمله مواردی است که نه تنها در افت کیفی رقابت های بسکتبال تأثیر گذار است بلکه می تواند رقم زننده شکست ها هم باشد.

از جمله این سالنهایی توان به سالن بسکتبال گنبد، کرمانشاه، شاهرود، کردستان، همدان - که سال گذشته در لیگ یک فعال بود رشت و... صریحاً اشاره کرد که هر کدام قسمتی از مشکلات بر شمرده شده را داشته اما در راستای بر طرف شدن آن هیچ گامی برداشته نشده است! اما به واقع آ یا مسئولین مربوطه در فدراسیون بسکتبال با علم به تمام این معضلات در سالن های مشکل دار نسبت به اعمال دستورات لازم جهت بر طرف شدن مشکلات اقدام نمی کنند و یا اینکه از این مشکلات در سالنهایی موجود آگاهی لازم راندارند؟ و اصولاً چه کسی باید مشکلات سالنهارا به اطلاع مسئولین مربوطه برساند؟ قطعاً مهمترین عاملی که می تواند در این راستا آگاهی بخش به مسئولین مربوطه در فدراسیون بسکتبال باشد، ناظرین مسابقات هستند. همانهایی که حتی اگر شرایط را در حد کمترین هاساعدا نمی دانند می توانند جلوی بر گزار ی مسابقه را بگیرند اما بر گزار ی چندین و چند باره در چنین سالنهایی و در ادامه بر طرف نشدن این معضلات که می تواند واقعا هم پیش پا افتاده باشد این شبهه را بوجود می آورد که ناظران مسابقات در این زمینه به وظیفه خود عمل نمی کنند و گرنه چطور می شود که مثلاً در سالن گنبد مسابقه ای در برودتی آزار دهنده که نیمکت نشینان با استفاده از دپتو هم از سرمارنج می برند و سبدا مسابقه هم ۱۰ سانتی متر و حتی بیشتر کوتاه است در حالیکه با یک آچار می شود سبدا را به جایش برگرداند، مسابقه بر گزار شود؟ یا در کرمانشاه که برای مهمانان رختکن ندارد یا در شاهرود که خطوط به دیوار هانزدیک است و حتی پله کنار زمین نزدیک به وارد شدن داخل زمین می باشد یا دیوار های سنگی سالن کردستان که در اواسط نیم فصل دوم هنوز حفاظی به خود ندیده است یا سالنی که کفیوشهایش بر آمده یا...!

این در حالی است که عموماً ناظران چنین مسابقاتی با روی خوش به مهمان اطمینان می دهند که پس از این مسابقه، کلیه موارد را به کمیته مسابقات فدراسیون بسکتبال و مسئولین مربوطه در میان می گذارند و در آینده بر طرف خواهد شد اما پس از گذشت چندماه و حتی چند فصل، زمانیکه چنین اتفاقی نمی افتد می توان به این نتیجه رسید که چنین ناظرانی به قصد ریشخند کردن مهمانان البته در راستای به اصطلاح به خیر و خوشی سپری شدن یک مسابقه دیگر مطرح کرده و تا یک بازی دیگر خدا بزرگ است و...!

اما هر چه که باشد یعنی چه اینکه در این مورد مهم که بر طرف شدن آن با کمترین هزینه ها و زمانها امکان پذیر است، ناظران مقصر اصلی باشند و یا مسئولین مربوطه که به گزارشات ناظران بی تفاوت هستند نباید از نظر دور داشت که در این میان اجحافی آشکار نسبت به تیمهایی است که سعی کرده اند سالنهایشان را به حد استنادار ده های معمول برسانند و البته جالب توجه هم این است که در چنین سالنهایی ناظر یا سر داور مسابقه کاسه از آش داغ تر شده و به کوچکترین مشکلات نیز توجه می کنند و از میزبان می خواهند آن را بر طرف کند!

در هر حال طرح این مشکلات که تیمهای دسته اولی کشور طی چند سال اخیر با آن مواجه هستند اما هیچ اقدامی برای مرتفع شدن آن صورت نگرفته شاید باعث شود که این حداقل ها مدنظر قرار بگیرد و یا شاید هم اینکه تلنگری باشد بر ناظرانی که همواره این موارد را دیده اند اما بنا به هر دلیلی آن را به اطلاع مسئولین مربوطه نرسانده اند.

البته بر این موارد باید افزود شرایط سالنهای تیمهای لیگ برتری را که اگر چه از دسته اولی ها شرایط بهتری دارند اما عموماً آنها هم از استنادار ده های برتر روز دنیا دور هستند برای مثال سالنهایی که از ساخت آن بیش از چندسال نمی گذرد اما مثلاً برخی از صرفه جویی های غیر منطقی باعث شده تا از پارکت های استنادار دبر خوردار نباشند و باعث آسیب دیدگی باز یکنان شوند یا مشکل اسکور برد و تابلو ۲۴ ثانیه و... که گاه و بیگاه با آن روبرو می شوند از مشکلاتی است که می تواند در کیفیت مسابقاتی در این سطح هم تأثیر گذار باشد!

ماهگیری بوسنیاک از آب گل آلود!

حضور مربیان خارجی در سطوح تیم ملی بخصوص در رده بزرگسالان همواره باعث ارتقاء بسکتبال و نتایج آن شده بخصوص از زمانی که اوونیکا، ترومن و ماتیچ به بسکتبال ایران پا گذاشتند. پیش از اینها هم مربیان خارجی دیگری نظیر «گری لیمون» و «تناد تریکوویچ» نیز به ایران آمده بودند که آنان هم اگر چه به مقامهای قهرمانی دست نیافتند اما رفغان آور خاطرهای بد هم برای بسکتبال نبودند که اما در این میان باید جدا کرد حساب و لادیمیر بوسنیاک مربی صربستانی را که بسکتبال ایران به وی اعتماد و امکانات خوبی در اختیار وی گذاشت و نیروهای با استعداد و آینده داری چون صمدنیکخواه، مرحوم آیدین نیکخواه، مهدی کامرانی، حامد حدادی، حامد آفاق و... را به وی سپرد اما نهیاً چه دید؟ پشت کردن به تمامی این اعتمادها و تنها گذاشتن تیم و باز یکنانی که به عنوان یک بزرگتر به وی اعتماد کرده بودند اما او پس از بهره بردن از همه این موارد در آستانه مسابقات آسیایی و در فاصله فقط چندروز به این رقابتها در ادوی تدار کاتی تر کیه بدون عنوان کردن هیچ دلیل و پیش زمینه ای وبدون اطلاع قبلی اردوی تیم ملی را به مقصدی نامعلوم ترک کرد تا ضربه ای بزرگ به بسکتبال ایران بزند و پس از آن هم هیچ گاه و در هیچ کجادر این زمینه صحبت نکرد تا اینکه در آشفته بازاری که هر کس خود را محق برای انتقاد از بسکتبال می دید او هم بخاطر اینکه از قافله عقب نماند لب به سخن گشود، البته از آن نوع سخن گفتنی که هر کس در زمان حضور وی در بسکتبال ایران به بسکتبال نزدیک بود و نهیاً پاسخ او را به اعتماد دادید، این را می داند که بوسنیاک قصد دارد از این آب گل آلود به نفع خود ماهی بگیرد و این موضوع بیشتر آنجا آشکار می شود که قصد دارد آغاز موفقیتها و مقامهای بسکتبال ایران

را به خود نسبت دهد حال آنکه اگر چنین بود و او تأثیری بسزادر ارتقاء بسکتبال ایران می داشت لازم بود تا بسکتبال با آنها هم پتانسیل و نیرو حتی بدون بوسنیاک در جمع پنج تیم برتر قرار گیرد در حالیکه چنین نشد!

این در حالی است که در همین شرایط هم از عنوان کردن دلایلی برای جدائی اش از تیم ملی بسکتبال ایران طفره رفته و حتی نتوانسته به دستاویزی چنگ بیندازد که عده ای را همراه خود کند بنابراین قبل از هر کسی علی رغم اظهاراتش، خودش می داند که در بسکتبال ایران منشأ خدمات نشده است!

